

## در انتظار طلوع

### قسمت اول : کلیات

#### الف) اهداف

۱- هدف کلی : برداشت صحیح از آینده بشریت، منجی جهانی، مفهوم انتظار و تقویت انتظار

سازنده

۲- اهداف آموزشی :

- تبیین آینده روشن بشریت بنابر دیدگاه اسلام
- تبیین دیدگاه اسلام درباره موعود
- تبیین برداشت درست از مفهوم انتظار و نقش منتظران در عصر غیبت

#### ب) پیش‌دانسته‌ها

- ۱- امامت و جانشینی پس از پیامبر اکرم (ص)
- ۲- امام دوازدهم و غیبت کبرای آن حضرت
- ۳- ادیانی که منشأ الهی دارند : یهود، مسیحیت و زرتشتی

#### ج) اصطلاحات علمی درس

۱- موعود : وعده داده شده، انسانی که ظهورش در ادیان الهی، به خصوص اسلام، وعده

داده شده است.

۲- منجی : نجات‌بخش، رهایی‌ساز، انسانی که در پایان تاریخ، ظهور می‌کند و مستضعفان را

نجات می‌دهد.

۳- انتظار امام عصر (ع): انتظار ظهور حضرت امام عصر (ع) برای برقراری حکومت جهانی عدل.

۴- جامعه منتظر: جامعه‌ای که در انتظار آینده وعده داده شده است و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند.

۵- مسئولیت‌های منتظر: وظایفی که یک فرد یا جامعه منتظر باید انجام دهد تا انتظار به پایان برسد و امام عصر (ع) ظهور نماید.

### د) ارتباط با درس قبل

درس نهم درباره امامت امام عصر (عج) و چگونگی انجام مسئولیت‌های مربوط به امامت در دوره غیبت کبری بود. این درس درباره پایان غیبت کبری و ظهور امام عصر (عج) و تشکیل حکومت جهانی به دست آن حضرت است. از همین زاویه، ابتدا مسئله موعود و منجی در ادیان دیگر مطرح شده و سپس، دیدگاه اسلام تبیین گردیده است. در ادامه نیز انتظار منتظران و مسئولیت‌های آنان توضیح داده شده است.

### ه) محورهای اصلی درس

- ۱- آینده تاریخ با پیروزی حق بر باطل همراه خواهد بود.
- ۲- اعتقاد به موعود جهانی مختص شیعه یا اسلام نیست و در همه ادیان الهی وجود دارد.
- ۳- مشخص بودن نام منجی در شیعه از امتیازات این مذهب است و فواید متعددی دارد.
- ۴- طول عمر امام زمان (عج) از نظر علم و عقل کاملاً ممکن است.
- ۵- انتظار، یک امر فطری انسانی (در بُعد فردی) و یک اصل مثبت اجتماعی (در بُعد اجتماعی) است.
- ۶- انسان منتظر، انسان مسئولی است که مسئولیت ایجاد آمادگی در خود و جامعه را برای ظهور برعهده دارد.

## قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

### الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، دیر از دانش‌آموزان درباره درس قبل می‌پرسد و ارزشیابی به عمل می‌آورد. موارد برای ارزشیابی در روش تدریس درس گذشته ذکر شده است.

### ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

از آن‌جا که این درس بر محور انتظار و ظهور امام زمان (عج) تنظیم شده است، می‌توانیم از رابطه عاطفی دانش‌آموزان با امام زمان (عج) بهره ببریم و از آنان بخواهیم که این رابطه را در قالب‌هایی مانند خاطره‌گویی درباره مراسم نیمه شعبان، شعر زیبا درباره امام زمان یا طراحی‌های زیبا ارائه کنند.

هم‌چنین، می‌توان با طرح دو سؤالی که در ابتدای آن آمده است، آغاز کرد، به‌خصوص سؤال اول که درباره اعتقاد به موعود و منجی در ادیان دیگر است.

— **یَرْتُهَا :** به ارث می‌برد (می‌برند) آن را. فاعل «یَرْتُ» «عباد» است. از این‌رو بهتر است این فعل را به صورت جمع (می‌برند) معنا کنیم.

— **عِبَادِ الصَّالِحُونَ :** بندگان شایسته من. ترجمه کلمه به کلمه این عبارت می‌شود: «بندگان من شایسته‌گان». همان‌طور که می‌دانید، در زبان عربی اگر صفت و موصوف، مضاف واقع شوند، مضاف‌الیه به موصوف اضافه می‌شود نه به صفت. در این ترکیب، «عباد» موصوف است و «الصالحون»، صفت و «ی»، مضاف‌الیه در نتیجه «ی» به عباد اضافه شده نه به «الصالحون». ولی در ترجمه می‌گوییم: «بندگان شایسته من».

نکته دیگر این که در زبان عربی هرگاه موصوف جمع باشد، صفت نیز جمع می‌آید ولی در ترجمه، همیشه صفت به صورت مفرد معنا می‌شود؛ از این‌رو، «الصالحون» را «شایسته» معنا می‌کنیم نه شایسته‌گان. البته اگر دانش‌آموزان جمع معنا کنند، برای آن‌ها صحیح محسوب می‌شود.

— **وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ :** و هر چند که اکراه داشته باشند مشرکان. در چنین ترکیب‌هایی «لَوْ» به «هر چند» یا «گرچه» معنا می‌شود. فعل «كَرِهَ» نیز چون فاعل جمع دارد، جمع معنا می‌شود.

## ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است :

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	تبیین آینده تاریخ از دیدگاه اسلام
۳	انجام فعالیت پیام آیات
۴	انجام فعالیت مقایسه
۵	تبیین دیدگاه اسلام و ادیان دیگر درباره موعود
۶	تبیین مفهوم انتظار و مسئولیت‌های منتظر
۷	انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها
۸	توضیح قسمت‌های برای مطالعه
۹	اجرای گام چهارم

### ۱- قرائت و ترجمه آیات

دانش‌آموزان، ابتدا آیات درس را قرائت می‌کنند و ترجمه آیات را تکمیل می‌نمایند و دبیر نمره کسانی که در قرائت و ترجمه شرکت کرده‌اند، ثبت می‌کند.

برخی نکات درباره ترجمه این آیات وجود دارد که توجه دبیر را به آن‌ها جلب می‌کنیم :

— وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ : وعده داد خدا به کسانی که. برخی از افعال در زبان عربی، مفعول بدون واسطه می‌گیرند. اما در فارسی، همان مفعول به صورت با واسطه می‌آید؛ مانند همین فعل «وَعَدَ». بنابراین در ترجمه می‌توان گفت : «وعده داد خدا کسانی را که» ولی معمولاً در فارسی می‌گوییم : «وعده داد خدا به کسانی که». دانش‌آموزان به هر دو صورت می‌توانند بنویسند.

— لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا : شریک نمی‌سازند با من چیزی را. گاهی بهتر است «ب» به صورت «با» معنا شود.

### ۲- تبیین آینده تاریخ از دیدگاه اسلام

در قدم اول، دبیر درباره آینده تاریخ انسان و سرنوشت نهایی آدمیان توضیحاتی می‌دهد و سپس،

این سؤال را مطرح می‌کند :

سرنوشت آینده انسان چیست؟

آیا می‌توان سرنوشت خاصی را برای آینده انسان پیش‌بینی کرد؟

در این باره دیدگاه‌هایی مطرح است که برخی از آن‌ها مانند نظریه مارکسیسم، در گذشته بیش‌تر اهمیت داشت اما به علت شکست عملی در صحنه اجتماع، اهمیت خود را از دست داد. امروزه دانشمندانی مانند فوکویاما، هانتینگتون و الوین تافلر نظریاتی ارائه کرده‌اند که مهم تلقی می‌شوند. از طرف دیگر، اندیشه‌های جدیدی در مسیحیت و یهود ظهور کرده‌اند که در آن‌ها بار دیگر به موضوع منجی و موعود توجه شده است. صاحبان این اندیشه‌ها در دهه‌های اخیر کارهای تبلیغاتی عظیمی صورت داده‌اند. امروزه در عرصه سینما فیلم‌های بزرگی ساخته شده و یا در حال ساخت است که اندیشه‌های موعودگرایی مسیحی و یهودی را تبلیغ می‌کند. همه این‌ها نشانگر اهمیتی است که امروز برای آینده انسان و جهان تصور و پیش‌بینی می‌شود.

در این باره، در بخش دانستنی‌های ضروری برای معلم، اطلاعات بیش‌تری داده خواهد شد.

### ۳- انجام فعالیت پیام آیات

در این فعالیت، دانش‌آموزان در آیات ابتدای درس تدبر می‌کنند و پیام‌هایی را که مربوط به آینده جهان است، استخراج می‌نمایند.

بنابر آیه ۵۵ سوره نور، کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، وارث زمین (حاکم زمین) می‌شوند، این حق در جهان استقرار می‌یابد، مؤمنان و صالحان به آرامش می‌رسند و مردم فقط خدا را می‌پرستند.

بنابر آیه ۵ سوره قصص، مستضعفین رهبران جامعه و وارثان زمین می‌شوند.

بنابر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، بندگان صالح وارثان زمین می‌شوند.

بنابر آیه ۳۳ سوره توبه، دین حق بر همه ادیان باطل غلبه می‌کند.

### ۴- انجام فعالیت مقایسه

این فعالیت مقایسه‌ای بین بینش خداپرستان و کسانی که به خدا معتقد نیستند، درباره آینده تاریخ است.

کسی که به خدا ایمان دارد، وعده او را حتمی و محقق می‌داند و چون خدا وعده نصرت حق را داده، این شخص هم مطمئن است که این وعده محقق خواهد شد. به همین جهت، با نگاهی امیدوار به تاریخ می‌نگرد.

اما کسی که به خداوند معتقد نیست، نمی‌داند که آینده تاریخ با چه سرنوشتی روبه روست؟ و به همین جهت، همواره با نگرانی و دلهره درگیر است. عدم امکان پیش‌بینی آینده تاریخ از آنجاست که این پیش‌بینی نیازمند محاسبه همه رخدادها و حوادث اجتماعی است و عملاً چنین محاسبه‌ای از توانایی علمی بشر خارج است.

آری؛ مبانی فلسفی اندیشه اسلامی به ما می‌آموزد که خلقت این جهان و موجودات آن، به‌ویژه انسان، عبث و بیهوده نیست و سیری تکاملی و پیش‌رونده دارد. هم‌چنین این آموزه در مبانی اندیشه اسلامی مورد تأکید است که نظام هستی بر حق استوار است و باطل دوامی ندارد. اما این دو نگرش فلسفی، تعیین‌کننده جزئیات مسیر تکاملی انسان و چگونگی پیروزی حق بر باطل نیستند. در حقیقت، این نگرش فلسفی به ما می‌گوید که عمل در مسیر تکامل و حق زایل شدنی و بیهوده نیست و نقش مؤثر خود را در نظام هستی که مبتنی بر حق است، دارد، اما این که سرانجام تاریخ کجا و چه هنگامی است، برای آدمی قابل پیش‌بینی نیست. این خداوند است که می‌تواند بگوید اگر فقط یک روز از عمر زمین باقی مانده باشد، آن روز را چنان طولانی می‌کند که موعود و منجی الهی ظهور کند و وعده خداوند را محقق گرداند.

درباره آینده تاریخ نظریاتی مطرح است که در بخش «دانستنی‌های ضروری برای معلم» به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت،

## ۵- تبیین دیدگاه اسلام و سایر ادیان درباره موعود

دیدیم که آیات قرآن کریم به صراحت دو وعده را اعلام می‌کند: اول حاکمیت بندگان صالح بر روی زمین و دوم پیروزی مستضعفان بر مستکبران.

برای تحقق این دو آرمان در مرحله نهایی تاریخ انسان است که موضوع «موعود» و «منجی» مطرح می‌شود. توجه داریم که موعود و منجی دو نام انسانی است که چون خدا وعده ظهور ایشان را داده، «موعود» نامیده شده است و از سویی چون مستضعفان جهان را نجات می‌دهد، «منجی» نام دارد.

در تبیین این موضوع باید چند نکته را برای دانش‌آموزان به خوبی توضیح دهیم:

۱- اعتقاد به موعود، اختصاص به دین اسلام ندارد و مربوط به همه ادیان الهی است؛ یعنی، توسط حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) و نیز در دین زرتشت وعده ظهور منجی داده شده است. منشأ اختلاف در مصداق موعود، به اصل اختلاف در ادیان باز می‌گردد. همان‌طور که خداوند دین واحدی فرستاده است، موعود نهایی و جهانی همه پیامبران نیز یک نفر بیش‌تر نخواهد بود و نمی‌شود که خداوند چند موعود به مردم معرفی کند.

بنابراین، همان‌طور که در بحث ادیان آمد اگر مثلاً، پیروان حضرت موسی (ع) به حضرت مسیح (ع) ایمان می‌آوردند و او را دروغ‌گو نمی‌پنداشتند و نیز اگر پیروان حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) دعوت رسول خدا (ص) را می‌پذیرفتند، تعدّد ادیان ایجاد نمی‌شد، به همین ترتیب، تعدّد موعود نیز اتفاق نمی‌افتاد. پس همان‌طور که حقیقتاً دین الهی واحد است، موعود الهی هم واحد است.

۲- در میان مسلمانان، هم شیعه و هم اهل سنت به ظهور موعود اعتقاد دارند و نام ایشان را هم «مهدی» (عج) گفته‌اند. با این تفاوت که برخی از اهل سنت معتقدند که این موعود هنوز به دنیا نیامده است. استناد آن‌ها به احادیثی است که از پیامبر نقل شده و ایشان فرموده است که «مهدی» بعداً به دنیا خواهد آمد. روشن است که کلمه «بعداً»، به بعد از عصر پیامبر مربوط است. از این جهت این احادیث با اعتقاد شیعه سازگارند.

نکته دیگر این که برخی از اهل سنت نیز، مانند شیعیان معتقدند «مهدی» (عج) از نسل فرزندان حضرت فاطمه (س) است اما برخی دیگر به استناد روایتی که خود از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند، بر این عقیده‌اند که «مهدی» از میان فرزندان و نوادگان امام حسن مجتبی (ع) خواهد بود. این گونه احادیث نیز با اعتقاد تشیع سازگار است؛ زیرا، مقصود رسول خدا (ص)، با توجه به احادیث دیگر، فرزند امام حسن عسکری (ع) بوده، نه فرزند مستقیم امام حسن مجتبی (ع) بلکه از نسل امام مجتبی (ع) هم بوده است؛ زیرا مادر امام باقر (ع) دختر امام حسن مجتبی بوده است.

## ۶- تبیین مفهوم انتظار

در این مرحله، لازم است دبیر چند مفهوم اساسی را برای دانش‌آموزان تبیین کند:

**الف - مفهوم انتظار:** چه موقع حالت انتظار برای انسان پیش می‌آید؟ هنگامی که انسان دوست‌دار و مشتاق کسی یا چیزی است و آن کس یا چیز الان در دسترس او نیست اما می‌داند که بالاخره روزی بدان خواهد رسید.

بله، ممکن است انسان، دوست‌دار کسی یا چیزی باشد، اما بداند که هرگز بدان نخواهد رسید. این فرد دچار ناامیدی و حسرت می‌شود، نه انتظار. پس برای انتظار باید، اشتیاق باشد، دوری هم باشد، امکان رسیدن به آن و وصال هم باشد. حال، هر قدر که اشتیاق شدیدتر باشد و دوری هم طولانی‌تر گردد، سوز و گداز انسان مشتاق افزایش می‌یابد. حافظ می‌گوید:

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد  
کز دست بخواهد شد پایاب<sup>۱</sup> شکیبایی

در این جا دبیر از دانش‌آموزان می‌خواهد که نمونه‌هایی برای انتظار و ناامیدی را که در زندگی

۱- پایاب: توان، طاقت

آن‌ها یا دیگران اتفاق افتاده است، بیان کنند؛ مثلاً، مادری که فرزند خود را از دست داده، مشتاقی است که می‌داند دیگر او را نمی‌بیند پس ناامید است. دانش‌آموز درس‌خوانی که از عهده آزمون دانشگاه به خوبی برآمده، مشتاقی است که حالت انتظار دارد.

انتظاری که دربارهٔ حضرت مهدی (عج) مطرح است، انتظار پیروزی حق در جهان و انتظار رؤیت و مشاهدۀ انسان کامل می‌باشد. انسان فطرتاً حق‌گرا و حق دوست و امیدوار به برقراری حق در جهان و پیروزی آن بر باطل است.

هم‌چنین، فطرتاً زیبایی‌ها و کمالات را دوست دارد و مشتاق انسانی است که آراسته به این زیبایی‌هاست و اگر به او وعده دهند که این انسان روزی خواهد آمد، منتظر دیدار است.

پس اگر می‌گوییم انتظار امری فطری است، منظور این نیست که بدون دلیل و خود به خود، حالت انتظار در درون انسان‌ها وجود دارد.

**ب — جامعه منتظر :** همان‌طور که انسان منتظر با انسانی که در انتظار نیست تفاوت دارد، جامعه منتظر نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد.

لازم است دبیر محترم ویژگی‌های چنین جامعه‌ای را تبیین کند و بینش‌های انحرافی را از بینش درست بازشناسی کند و توضیح دهد که جامعه منتظر، جامعه‌ای نیست که دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند تا مهمان بیاید بلکه به خانه می‌رود و خانه را آماده می‌کند. جامعه منتظر یک جامعه فعال است، به آینده امید دارد و خود را آماده و پذیرای موعود می‌کند. جامعه منتظر جامعه عدالت‌خواه است، برای آن تلاش می‌کند، برای تحقق آن وارد صحنه می‌شود، شجاعت و جان‌بازی می‌کند و به امام عصر (عج) عملاً نشان می‌دهد که توانایی یاری و پشتیبانی ایشان را دارد.

**ج — مسئولیت‌های شخص منتظر :** این عنوان در کتاب درسی دانش‌آموز کاملاً توضیح داده شده است. البته در جامعه ما برخی دیدگاه‌ها مطرح است که نوعی از انزواگرایی و عدم دخالت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و نداشتن نقش سازنده در سرنوشت خود و جامعه خود تبلیغ می‌کنند. در این دیدگاه بار امام زمان (عج)، منتظر واقعی و صاحب معرفت به ایشان کسی است که فقط محبت و یاد امام در قلبش خانه کند، به آموختن علوم اهل بیت (ع) بپردازد، برای تعجیل در ظهور دعا کند، حضور امام را در زندگی خود احساس کند و اهل ورع و تقوا باشد. این دیدگاه صرفاً بر این‌گونه ویژگی‌ها که همه لازم و ضروری‌اند تأکید می‌کند و از پرداختن به برخی ویژگی‌ها که حضور فعال در مسائل جهانی، زندگی سیاسی و اجتماعی، مبارزه با حکومت‌های جور و تشکیل حکومت دینی است غفلت می‌ورزند.

کسانی که با این دیدگاه تربیت می‌شوند، معمولاً نسبت به همین امور در جامعه حساسیت نشان



می‌دهند و اگر نسبت به واقعیت‌های اجتماعی معترض باشند، انتقاد و اعتراض‌شان به همین امور منحصر می‌شود و تلاش اجتماعی آن‌ها هم بر محور همین امور تمرکز می‌یابد. نتیجه تبعیت از این دیدگاه عدم حضور مؤثر و فعال در صحنه‌های مهم و سرنوشت‌ساز اجتماعی، به‌خصوص در صحنه‌های مربوط به مبارزات حق و باطل، ستم‌دیدگان با ستم‌پیشگان و مدیریت اجتماعی است.

این انزواگرایی اجتماعی سبب می‌شود که تابعان این دیدگاه صرفاً در صحنه‌های مربوط به شعائر، گرایش‌های اجتماعی خود را بروز دهند و به گسترش شعائر و ظواهر بیردازند و نوعی عافیت‌طلبی را تبلیغ کنند و در سرنوشت‌سازترین صحنه‌ها غایب باشند و گاه با طرح برخی شعارهای تسلیم‌طلبانه و غیر مؤثر جلوه دادن حضور فعال در صحنه‌های سرنوشت‌ساز، ناخودآگاه به باطل کمک کنند و قیام‌کنندگان به عدل را تنها گذارند.

ما در ذیل این عنوان باید بتوانیم به دانش‌آموزان پیاموزیم که یاور راستین امام باید در جهت همان اهدافی زندگی کند و برای تحقق همان اهدافی عمل نماید که وقتی امام ظهور می‌کند بدان قیام و عمل خواهد کرد. و اگر جوهره حکومت جهانی امام عصر (عج) عدالت است، یاور و منتظر آن بزرگوار نیز باید در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در این جهت تلاش مؤثر کند و پولاد دلی را تمرین کرده باشد.

## ۷- انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها

این فعالیت، یک فعالیت واگراست. یعنی دانش‌آموزان می‌توانند متناسب با اطلاعات و سلیقه‌های شخصی خود، جواب‌های متفاوتی بدهند. در این جواب‌ها، ممکن است آنان به موارد زیر اشاره کنند:

شرکت و همکاری در جشن‌های مربوط به امام عصر (ع)  
خواندن دعا‌های مربوط به آن حضرت  
مطالعه کتاب‌های مربوط به ایشان  
انجام فعالیت‌های اجتماعی که امام را خوشحال می‌کند  
مبارزه با بی‌عدالتی‌ها و فسادها  
انجام وظایف دینی و ...

## ۸- توضیح قسمت‌های برای مطالعه

در این درس دو قسمت «برای مطالعه» است. در قسمت اول، دیدگاه ادیان یهود، مسیحیت و زرتشتی درباره موعود توضیح داده شده است. البته خوب است که دبیر، اطلاعات بیشتری در این

زمینه داشته باشد و به دانش آموزان ارائه دهد. کتاب‌هایی که به عنوان منبع ذکر شده‌اند، می‌تواند به ما کمک کند.

در قسمت دوم، ابتدا سخنانی از رهبر معظم انقلاب اسلامی آمده که به آسیب‌شناسی بحث انتظار می‌پردازد و انتظار منفی را نقد می‌کند و وظیفه یاران امام زمان (ع) را متذکر می‌شود. پس از این سخنان، یکی از اشعار حافظ آمده که کاملاً مناسب با حال منتظران حضرت ولی عصر (ع) است. شرح مختصر اشعار چنین است :

۱- ای امام عصر، ای پادشاه همه خوبان و نیکان، غم تنهایی ما را به رنج انداخته است. داد ما را از آن بگیر. به سبب دوری از تو، دل ما به ستوه آمده و زمان آن فرارسیده که بازگردی و منتظران را شاد کنی.

۲- شادابی و نشاط جمع یاران تو در حال پایان پذیرفتن است آنان را دریاب که بر این کار، توانایی. ۳- شوق و اشتیاق دیدار تو از یک طرف و دوری از تو از طرف دیگر چنان مرا بی‌قرار کرده که تاب و توان شکیبایی را از دست خواهم داد.

۴- تو ساقی عالم وجود، می و آب حیات به انسان‌ها می‌بخشی؛ اکنون ببین که بی‌حضور تو، جمع ما هیچ رنگ و نشاطی ندارد. در گلستان جمع یاران حضور پیدا کن تا این گلستان زیبایی واقعی را پیدا کند.

۵- در حالی که ناکامی در زندگی، وجود مرا فراگرفته، درد اشتیاق تو برای من نجات‌بخش است و در حالی که تنهایی مرا به گوشه‌ای کشانده، یاد تو انیس و همراه من است. ۶- حافظ که امید به وصال دارد و پایان هجران را نزدیک می‌بیند، به خود نوید می‌دهد که شب هجران در حال تمام شدن است و بوی دیدار به مشام می‌رسد. پس ای عاشق شیدا این شادی بر تو مبارک باشد.

بعد از آن، شعری از قیصر امین‌پور است که شرح مختصر آن را می‌آوریم :

۱- بار دیگر حالت اشتیاق و انتظار در من بالا گرفت و دردهای شب بی‌قراری چون تیغ‌هایی بر وجودم ظاهر شده است. (گل کردن به معنای ظاهر شدن و پدیدار شدن)

۲- انسان‌ها حالت ثابتی ندارند، گاهی غم و اندوه وجود ما را می‌گیرد و احساس فراق بر ما مستولی می‌شود. از تو می‌خواهیم که در آن حالات به ما کمک کنی و دست ما را بگیری.

۳- اگر من به شوق دیدار تو خود را فراموش کرده و خود را از دست داده‌ام، برای آن است که تو با ظهور خودت مرا به خود بیاوری و من هستی‌ام را از دست تو دریافت کنم.

۴- من هستی و نیستی خود را از دست داده‌ام و دیگر چیزی از خود ندارم و در حقیقت، نیست شده‌ام. تنها کمک و یاری توست که می‌تواند مرا به خودم بازگرداند و فرصت می‌دهد که خود را بازیابم.

۵- دیگران درمان درد من نیستند، به همین جهت با آن‌ها کاری ندارم. زیرا می‌دانم که بالاخره، مرهم درد گُشنده‌ام تویی و تو مرا درمان خواهی کرد.

۶- برای این‌که در کنار تو و در ملاقات با تو قرار و آرام بگیرم، بی‌قرار و مَواج رو به سوی تو دارم و پویا و شتابان، جاری به سوی توام.

۷- گرچه ناخن من، نازک و نرم، و سنگ سخت و محکم است اما با صبر و تحمل فراوان بالاخره سنگ را به زانو درآوردم و با ناخن روی آن نوشتم «بیا بیا»، در این‌جا منظور با ناخن نوشتن نیست بلکه منظور تجسم سختی‌های دورهٔ انتظار و مشتاقی است.

در انتهای این قسمت، بحثی دربارهٔ جهانی شدن و رابطهٔ آن با مهدویت و موعودگرایی در عصر حاضر است. بهتر است دبیر محترم در فرصت مناسب این دو صفحه را برای دانش‌آموزان توضیح دهد یا از دانش‌آموز خوش فکری بخواهد که در این باره کنفرانس دهد. در توضیح این متن باید به نکات زیر توجه کرد:

جهانی شدن با جهانی‌سازی متفاوت است. جهانی شدن، یک واقعیت اجتماعی است که براساس گسترش ارتباطات، در حال وقوع است و نتیجهٔ پیشرفت دانش و فناوری است.

گسترش ارتباطات، جهان را تبدیل به یک کشور یا یک شهر یا یک دهکده کرده است. و همان‌طور که آحاد مردم، نهادها، دیدگاه‌ها، سلیقه‌ها و مجموعهٔ تفاوت‌ها در یک کشور یا یک شهر یا یک ده بر یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند، مجموعهٔ تفاوت‌های جهانی نیز بر یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند.

جهانی‌سازی، یک برنامه است. در این برنامه، قدرت‌های جهانی در پی آن‌اند که از فرصت استفاده کرده و دیدگاه‌ها و سلیقه‌های خود را جهانی کنند و از این طریق، خود را بر سراسر جهان حاکم سازند.

باید توجه کنیم که اصل تلاش برای جهانی ساختن یک فکر یا سلیقه ناپسند نیست. بلکه باید دید کدام فکر و کدام سلیقه می‌خواهد جهانی شود و از چه ابزاری بهره می‌برد. دیدگاه و سلیقه‌ای که بر اندیشهٔ غربی حاکم است، حقیقتی جز غفلت از معنویت و عدالت ندارد و قدرت‌های حاکم می‌کوشند تا این دیدگاه را جهانی سازند و جهان را به دهکده‌ای مطیع و خاموش برای خود تبدیل کنند.

بنابراین، بحث در این نیست که جهانی‌سازی عملی غیرعادلانه و ناصواب است و اگر کسی برای

جهانی‌سازی تلاش کند مرتکب جرمی شده است، بلکه بحث در این است که چه دیدگاهی صلاحیت جهانی‌سازی را دارد و راه گسترش این دیدگاه چیست. نه هر دیدگاهی صلاحیت جهانی‌سازی دارد و نه هر روشی برای این جهانی‌سازی مشروع و مناسب است.

متنی که در درس آمده است، شاخصه‌های عقیده و دیدگاهی را که صلاحیت جهانی شدن دارد، مشخص کرده و روش آن را نیز تبلیغ سازنده و مثبت دانسته است. تبلیغ مثبت و سازنده عبارت است از تبیین صحیح دیدگاه اسلامی با همه ابزارهای مؤثر، نقد درست اندیشه‌های رقیب و حضور فعال و مؤثر در صحنه‌های جهانی با موضوع‌گیری‌های مبتنی بر معنویت و عدالت، نفوذ در سنگرهای فرهنگی-اجتماعی جهانی و یافتن یاران جدید.

#### ۹- اجرای گام چهارم

این گام، برنامه‌ریزی برای انتظار مثبت، فعال و سازنده است. ساختار چنین انتظاری بر دو عنصر معرفت و محبت بنا شده است. بنابراین، معلم باید برای طرح این گام، فضای مناسبی ایجاد کند و دانش‌آموزان را به این برنامه تشویق کند، برنامه‌ای که در آن:

معرفت انسان به امام زمان (عج) افزایش یابد،  
محبت و عشق وی به آن حضرت تقویت شود،  
و انتظار عملی و فعال را تمرین کند.

#### د) انجام بخش اندیشه و تحقیق

در این بخش سه سؤال طرح شده است:

سؤال اول: پاسخ این سؤال، در آیات ابتدای درس آمده است. در آن آیات خواندیم که حکومت جهانی به مؤمنان صالح می‌رسد و مستضعفان وارث زمین خواهند شد.  
دیران محترم توجه کنند که ضروری نیست دانش‌آموزان عین جملات بالا را بگویند. بلکه کافی است مفهوم را بیان کرده و به دو مورد فوق اشاره کنند.

سؤال دوم: زیر عنوان شخص منتظر، این تأثیر بیان شده است؛ چون انتظار امام زمان (عج) از روی اشتیاق و مهر و محبت است و در شخص منتظر آثاری دارد؛ از جمله:

۱- برای جلب رضایت امام تلاش می‌کند؛

۲- امام را الگو قرار می‌دهد و می‌کوشد تا خصلت‌های مورد توجه ایشان را در خود به‌وجود

آورد؛

۳- شخص را فعال و با نشاط می‌کند و امید به آینده‌ای زیبا را در او افزایش می‌دهد.

سؤال سوم: دربارهٔ برداشت‌های مختلف دربارهٔ انتظار است. در این باره در ذیل عنوان «چه کسانی می‌توانند یاران راستین امام باشند؟»، توضیحاتی داده شد. کسانی که آن ینش انزو اطلبانه را نسبت به یاران امام در عصر غیبت داشته باشند، انتظار آن‌ها نیز انتظاری غیرفعال یا «منفی» است. این گونه افراد، انتظار را بیشتر در دعا، گریه، زاری و اموری از این قبیل می‌بینند، اما کسانی که می‌کوشند خود را آمادۀ همان کارهایی کنند که امام از آن‌ها خواهد خواست، «انتظار مثبت» دارند؛ یعنی، آدم‌های فعالی هستند که در جهت تحقق خواسته‌های امام خود تلاش می‌کنند. آنان می‌کوشند جبهه‌ای از حق تشکیل دهند و همواره بر تعداد یاران خود بیفزایند و در عین فعالیت سازنده و مثبت با اشک و شوق و دعا و ندبه، ظاهر شدن امام را طلب می‌کنند.

### هـ) انجام بخش پیشنهاد

پیشنهاد اول، مراجعه به دعای عهد و انتخاب آن بخش از دعاست که با خداوند عهد و پیمان بسته می‌شود. آن قسمت دعا به شرح زیر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ	خدایا، بار دیگر تجدید می‌کنم با او
فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا	در بامداد امروز
وَمَا عَسْتُ مِنْ آيَاتِي	و در روزهای دیگر زندگی‌ام
عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً	پیمان و تعهد و بیعتی
لَكَ فِي عُنُقِي	برای او که در گردنم است
لَا أَحُولُ عَنْهَا	هرگز از آن برنگردم
وَلَا أَزُولُ أَبَدًا.	و از آن دست برندارم

پیشنهاد دوم، دربارهٔ آن دسته از علائم ظهور است که نزدیکی ارتباط انسان‌ها را در شرق و غرب می‌رساند. از جملهٔ علائم ظهور آن است که اگر کسی در شرق سخنی بگوید، دیگران در غرب می‌شنوند.

در مورد ظهور هم روایت شده که امام زمان (عج) وقتی ظهور می‌فرماید، به دیوار کعبه تکیه می‌دهد و ظهور خود را اعلام می‌کند و همهٔ مردم جهان می‌شنوند. گرچه احتمال دارد امام زمان (عج) این کار را با قدرت الهی انجام دهد، اما امروزه چنین کاری از طریق وسائل ارتباط جمعی نیز امکان‌پذیر است.

در پیشنهاد سوم، دانش آموزان، مطالبی را که پیرامون آینده تاریخ آموخته‌اند، به قرآن کریم عرضه می‌کنند تا مطابقت آن‌ها را با قرآن کریم بیابند.

در آیه ۱۷ سوره رعد، خداوند این‌گونه مثال می‌زند که از آسمان باران فرود می‌آید از این آب رودهایی روان می‌شود و مسیر کوه‌ها و دشت‌ها را طی می‌کند. این آب که به صورت سیل روان است، کفی روی خود می‌آورد که همراه آن اشیای سبکی مانند چوب و خاشاک نیز هست. خداوند این مثال را برای حق و باطل می‌زند که آب، مثال حق و کف روی آب، مثال باطل است. کف به تدریج، به کناری می‌رود و نابود می‌شود و آب باقی می‌ماند و به مردم سود می‌رساند.

شباهت‌های زیر را می‌توان میان کف و باطل و نیز میان آب و حق ذکر کرد.

شباهت‌ها	
<p>۱- همان‌طور که در رودخانه، آب دوام دارد، در تاریخ حیات انسان نیز حق است که باقی می‌ماند.</p> <p>۲- همان‌طور که آب برای موجودات زنده فایده دارد، حق نیز برای جامعه انسانی سودمند است.</p> <p>۳- همان‌طور که اساس حیات طبیعی بر پایه آب است (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ)، اساس حیات جامعه انسانی بر حق است.</p>	<p>شباهت‌های آب و حق</p>
<p>۱- همان‌طور که کف روی آب، عمر کوتاهی دارد، باطل نیز در تاریخ حیات انسان‌ها دوامی نخواهد داشت.</p> <p>۲- همان‌طور که کف فایده‌ای ندارد و اگر به جای آب به کار رود، فایده‌ای نمی‌رساند، باطل نیز نه تنها سودی ندارد بلکه به ضرر انسان‌هاست و اگر جامعه‌ای بر باطل بنا شود، نابود می‌شود.</p> <p>۳- همان‌طور که کف تو خالی و پوک است، باطل نیز پوک و میان‌تهی است و حقیقت از آن حق است.</p>	<p>شباهت‌های کف روی آب و باطل</p>

پیشنهاد آخر درباره سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی است که در بخش برای مطالعه ارائه گردید.

## و) ارزشیابی از میزان یادگیری

در این درس، موارد زیر باید مورد ارزشیابی قرار گیرد :

- ۱- قرائت و ترجمه آیات درس
- ۲- تبیین آینده تاریخ از دیدگاه اسلام
- ۳- انجام فعالیت پیام آیات
- ۴- انجام مقایسه دو بینش درباره آینده تاریخ
- ۵- تبیین دیدگاه اسلام و تشیع درباره موعود و امتیازات این دیدگاه
- ۶- توضیح درباره حقیقت انتظار
- ۷- تبیین ویژگی های فرد و جامعه منتظر
- ۸- تبیین مسئولیت های انسان منتظر
- ۹- انجام فعالیت ذکر نمونه ها
- ۱۰- توضیح قسمت های برای مطالعه
- ۱۱- انجام بخش اندیشه و تحقیق و پاسخ گویی به سؤال های طرح شده
- ۱۲- انجام پیشنهادها
- ۱۳- مشارکت و همکاری در ضمن تدریس

## قسمت سوم : تمهیدات

### الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

۱- اشعاری دربارهٔ انتظار و رابطهٔ محبت‌آمیز با امام عصر (عج)

– روز وصل، از امام خمینی «ره»

این خماری از سرِ ما می‌گساران می‌رود  
غمزه را سر می‌دهد، غم از دل و جان می‌رود  
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود  
هرچه غیر از ذکر یار از یاد رندان می‌رود  
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود  
روز وصلش می‌رسد، ایام هجران می‌رود

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود  
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند  
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود  
محفل از نور رخ او نورافشان می‌شود  
ابرها از نور خورشید رُخش پنهان شوند  
وعدهٔ دیدار نزدیک است یاران مرده باد

– لحظهٔ دیدار، از سلمان هراتی

از آفتاب چشم تو سرشار می‌شویم  
یک آسمان ستارهٔ سیار می‌شویم  
بر روی شانه‌های شب آوار می‌شویم  
تا رو به روی فاجعه دیوار می‌شویم  
روزی هزار مرتبه تکرار می‌شویم  
چشم انتظار لحظهٔ دیدار می‌شویم

هر صبح با سلام تو بیدار می‌شویم  
در چشم‌های آبی‌ات ای تا افق وسیع  
یک آسمان ستاره و یک کهکشان شهاب  
چندین هزار پنجره لبخند می‌زند  
روزی هزار مرتبه تا مرگ می‌رویم  
فردا دوباره صبح می‌آید از مسیر  
– آخرین طوفان، از حسین اسرافیلی

بگو باید کجا جویم مدار کهکشان را  
بیابان تا بیابان جُسته‌ام ردّ نشانت را  
بیند تا مگر در آسمان، رنگین‌کمان را  
تمام جسم و جان لب شد که بوسد آستان را  
که چون ابری بگردم کوچه‌های آسمان را  
که دریا بوسه بنشاند لب آتش نشانت را

به دنبال تو می‌گردم نمی‌یابم نشانت را  
تمام جاده را رفتم، غباری از سواری نیست  
نگاهم مثل طفلان، زیر باران خیره شد بر ابر  
کهن شد انتظار اما به شوقی تازه، بال افشان  
کرامت گر کنی این قطرهٔ ناچیز را، شاید  
الا ای آخرین طوفان! بیچ از شرق آدینه



— شعر زیر از فصیح‌الزمان رضوانی (قرن ۱۴) است. بیت دوم این شعر گویای آن است که این شعر یا دربارهٔ محبوب مطلق یعنی، خدای متعال است یا دربارهٔ حضرت ولی‌عصر (عج) که از نظرها غایب است. همان‌طور که می‌دانید، می، چشم مست، سبو، چشم سیاه و مانند آن تعبیری استعاره‌ای است که در اشعار عرفایی چون حافظ و مولوی، مبین رابطهٔ عاشقانهٔ آنان با خداست.

<p>همه هست آرزویم که بینم از تو رویی به کسی جمال خود را ننموده‌ای بینم غم و درد و رنج و محنت، همه مستعد قتلیم به ره تو بس که نالم، زغم تو بس که مویم همه خوش دل این که مطرب بزند به تار چنگی چه شود که راه یابد سوی آب، تشنه کامی؟ شود این که از ترحم دمی‌ای سحاب رحمت بشکست اگر دل من، به فدای چشم مست همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا نه به باغ ره دهندم که گلی به کام بویم ز چه شیخ پاک‌دامن سوی مسجدم بخواند بنموده تیره روزم، ستم سیاه چشمی نظری به سوی رضوانی دردمند مسکین</p>	<p>چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی همه جا به هر زبانی بود از تو گفت‌وگویی تو بیر سر از تن من، بیر از میانه گویی شده‌ام زناله نالی، شده‌ام ز مویه مویی من از آن خوشم که چنگی بزنم به تار مویی چه شود که کام جوید ز لب تو کام جویی؟ من خشک لب هم آخر ز تو تر کنم گلویی؟ سرختم می سلامت، شکند اگر سبویی تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی نه دماغ این که از گل شنوم به کام، بویی رخ شیخ و سجده گاهی، سر ما و خاک کویی بنموده مو سپیدم، صنم سپید رویی که به جز درت، امیدی نبود به هیچ سویی</p>
---	---

## ۲— سخنرانی امام خمینی در برداشت‌های انحرافی از انتظار

این سخنرانی در نیمهٔ شعبان سال ۱۴۰۸ هجری قمری برابر با ۱۴ فروردین ۱۳۶۷ ایراد شده و حاوی نکات مهمی دربارهٔ انتظار، تشکیل حکومت در عصر غیبت و تکلیف مسلمانان در عصر غیبت است. در این جا بخش‌هایی از این سخنان را نقل می‌کنیم.

«آن‌چه که امروز می‌خواهم به عرضتان برسانم، برداشت‌هایی است که از انتظار فرج شده است و بعضی‌اش را من عرض می‌کنم. بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان — سلام الله علیه — را از خدا بخواهند. این‌ها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند بلکه بعضی از آن‌ها را که من سابقاً می‌شناختم، بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب — سلام الله علیه — بود. این‌ها

به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان‌شاءالله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند؛ می‌گفتند: باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت – سلام‌الله علیه – تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آن‌ها مغرور بودند. آن‌هایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علم‌ی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آن‌ها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].

حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیف‌مان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند، برای چی می‌آیند؟ برای این که گسترش بدهند عدالت را، برای این که حکومت را تقویت کنند، برای این که فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند. الان دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که

دعوت کند مردم را به فساد؟

کسی که می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکت نباشد، نظام در یک مملکت نباشد، آن‌طور فساد پرمی‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنی که می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند برای این که حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای این که رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آن‌ها نداشته باشیم، آن‌ها بیایند هر کاری می‌خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد!

اما مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان‌طوری که تزریق کرده بودند به ملت‌ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آن‌ها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال این‌ها و آن‌هایی که اذنان این‌ها هستند و این‌ها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمان‌ها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد، این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، این‌ها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟

این‌هایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است. این‌ها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. این‌ها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرف‌ها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی این که همه مردم به جان هم بزنند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای این که خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهم‌ها نمی‌دانند چی می‌گویند، هر حکومتی باشد حکومت باطل است! ...

بله، البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم پر بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و

قرآن است، تکلیف به ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت — سلام الله علیه... .

### ۳- سخنانی از رهبر معظم انقلاب درباره مهدویت

آینده تاریخ از دیدگاه اسلام: از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است، این برو برگرد هم ندارد... همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق بدهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. انبیا و اولیا، این مردم گم‌گشته را مرتب از این کوه و کمر و دشت‌ها و کویرها و جنگل‌ها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است، آن در زمان ولی عصر (ارواحنا فداه) محقق خواهد شد لیکن همه این تلاش‌ها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است. ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود اما برو برگرد ندارد، قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد. قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.

تاریخ: ۷۹/۹/۱۲ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

ولایت معنوی امام عصر (عج): جوانان عزیز، بسیجیان، یکی از آن خورشیدهای فروزان به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی ارضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب زمان و ولی امر مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او، انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند. امروز وجود مقدس حضرت حجت (ارواحنا فداه) در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشم‌های ناقابل و تیره ما آن چهره ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند، اما او مثل خورشیدی، درخشان است، با دل‌ها مرتبط و با روح‌ها و باطن‌ها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین با او، در کنار اوست، او را می‌بیند و با او مرتبط است. آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فروخورده انسان‌ها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است تا انسان والا و برگزیده از برگزیدگان خدا بیاید، تار و پود ظلم و ستم را که انسان‌های شریر در همه تاریخ تنیده‌اند،

از هم بدرد.

تاریخ: ۷۸/۹/۳ بیانات مقام معظم رهبری در جشن بزرگ منتظران ظهور، هم‌زمان با هفتهٔ بسیج و روز ولادت

حضرت مهدی (عج)

خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دل‌گرم‌کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون این که او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را شناخته‌اند. در همین جبههٔ جنگ تحمیلی، جوان‌هایی که در لحظه‌های حسّاس، احساس نورانیت و معنویت کردند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و شناختند و نفهمیدند بسیارند. امروز هم همان جور است.

تاریخ: ۷۸/۹/۳ بیانات مقام معظم رهبری در جشن بزرگ منتظران ظهور، هم‌زمان با هفتهٔ بسیج و روز ولادت

حضرت مهدی (عج)

ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود، و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان‌طور که عرض کردم، فرموده‌اند: (وَاللّٰهُ لَتَمَحَّصَنَّ) و (وَاللّٰهُ لَتُعْرَبَنَّ) این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواحنا فداه) با آن مواجه هستند همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید، ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتنند.

تاریخ: ۷۰/۱/۳۰ سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

وقتی نتوانستند این عقیدهٔ مهدویت را از مردم بگیرند، سعی می‌کنند آن را در ذهن‌های مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند خب آقا می‌آید و همهٔ کارها را درست می‌کند! این، خراب کردن عقیده است. این تبدیل کردن موتور محرکی به یک چوب لای چرخ است، تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب‌آور است. خود آقا می‌آید انجام می‌دهد، یعنی چه؟ امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینهٔ آماده، اقدام بکند. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد، والا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود.

تاریخ: ۷۶/۹/۲۵ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)

شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان‌ها - هر چه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیش‌تر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد، این‌ها دست خود ماست اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد، هم‌چنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند. آن نسلی که برای انقلاب آن فداکاری‌ها را کردند، با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم.

تاریخ: ۷۹/۸/۲۲ بیانات مقام معظم رهبری در سالروز میلاد خجسته امام زمان (عج)

#### ۴- بازی‌های رایانه‌ای در خدمت تحلیل مسیحیت صهیونیستی از آخرالزمان

یکی از اصول مشترک بین تمام ادیان الهی و اساطیر باستانی اقوام مختلف، مبحث منجی موعود و آخرالزمان است. همان کسی که شیعیان او را مهدی، مسیحیان او را عیسی، زرتشتیان او را سوشیانت و قوم‌های دیگر او را با نام‌های دیگر می‌خوانند. تمامی منتظران ظهور، به مرحله‌ای معتقدند که یک ضد منجی که عصاره تمام شرارت‌هاست و تمامی نیروهای شیطانی را به همراه خود دارد و مهم‌ترین مانع، منجی موعود است. در نبرد نهایی میان این دو که جنگی بسیار بزرگ و خونین است، منجی موعود به همراه یارانش به کمک امدادهای الهی بر لشکر شیطان پیروز می‌شوند.

سربازان و یاران منجی انسان‌هایی با ایمان و نیرومندند که خود را از قبل برای چنین روزی آماده کرده‌اند.

کشیش پت رابرتسون (pat robertson) از رهبران صهیونیسم مسیحی می‌گوید:

«الآنون آمریکا نماینده خداست در روی زمین، برای ظهور مسیح»

آری به اعتقاد آنان، آمریکا یا لاقل رهبران این کشور پیامبران معصومی هستند که به دنیای پر از گناه فرستاده شده‌اند تا جهان را به سر منزل مقصود برسانند.

جرج بوش اول روز ۶ مارس ۱۹۹۲ در نشست مشترک سنا و مجلس نمایندگان کنگره آمریکا (که بی‌شبهت به سخنرانی جرج بوش دوم در ۲۰ مارس ۲۰۰۱ نبود)، خطابه معروفی ایراد کرد و ضمن آن سیاست نظم نوین جهانی را اعلام کرد. سیاستی که طبق آن نمی‌توان پذیرفت گوشه‌ای از کره زمین از اصول آمریکایی در مورد آزادی‌های فردی و حکومت دمکراتیک معاف باشد. سیاستی که طبق آن، برای پیروزی در جنگ علیه تروریسم بین‌المللی باید، جنگ ایده‌ها و عقاید را راه انداخت. در این نظم نوین جهانی، به قول فوکویاما تئوری پرداز پایان تاریخ، اسلام دریای فاشیستی برای شنای تروریست‌هاست. و به قول توماس فردمن، تحلیل‌گر سیاسی آمریکایی، اسلام بزرگ‌ترین دشمن غرب

است و جنگ با این دشمن تنها با ارتش ممکن نیست بلکه باید در مدارس، کلیساها، مساجد و معابد به رویارویی با آن پرداخت.

هم اکنون سیر محصولات فرهنگی غرب برای تحقق بخشیدن به آرمان فوق، راهی بازارهای کشورهای مسلمان شده، محصولاتی که پس از استفاده از آنها شخص از هویت و فرهنگ خود دلزده می‌شود، آمریکا را به عنوان امپراتور صالح دنیای جدید می‌پذیرد و او را عصاره نیروهای خیر عالم تصور می‌کند.

یکی از این محصولات فرهنگی که بسیار تأثیرگذار است، بازی‌های رایانه‌ای است که بیش‌تر، سرمایه‌های اجتماعی جهان اسلام را هدف گرفته است.

بیش از دو دهه است که بازی‌های رایانه‌ای وارد بازار شده‌اند. اولین آنها، بازی‌های شرکت آتاری (ATARI) (دستگاه TV GAME) بود. پس از آن بازی‌های ویدیویی سیر تکاملی خود را طی کردند و در اواسط دهه هشتاد بیش‌تر به سمت بازی‌های جنگی (WAR GAME) سوق یافتند. علت این امر، علاوه بر مسائل فنی جو متسنج اواخر دهه ۸۰ آمریکا، ناشی از جنگ سرد با شوروی و دیگر برنامه‌های رئیس‌جمهور وقت، ریگان بود، بازی‌هایی مثل star flight و ...

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، برای ایالات متحده که خود را در جهان بی‌رقیب می‌دید، تصوّر امپراتوری بر دنیا به هدفی جدی تبدیل شد. این کشور از هر وسیله‌ای برای اثبات و جا انداختن این هدف استفاده کرده و می‌کند. بازی‌های رایانه‌ای یکی از این ابزار و وسایل است. در این بازی‌ها، آمریکا مدینه فاضله، آرمان شهر و نهایت رفاه، صلح و امنیت معرفی می‌شود و نظام فرهنگی آن تنها سیستمی است که جهان را از خطرهای گوناگون حفظ می‌کند.

همان‌طور که ذکر شد، در میان محصولات فرهنگی که به وسیله‌ای برای معرفی آخرالزمان غرب و تخریب مهدویت تبدیل شده است، بازی‌های رایانه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بسیاری از بازی‌ها از روی فیلم‌های معروف و پرفروش هالیوود ساخته می‌شوند ولی نکته جالب توجه این است که برای مثال در سال ۱۳۸۰ (سال ۲۰۰۱ میلادی) صنعت بزرگ هالیوود حدود پنج میلیارد دلار سود داشته ولی در همین زمان شرکت‌های بازی‌های رایانه‌ای در آمریکا بیش از ۳۰ میلیارد دلار سود داشته‌اند. تفکر حاکم بر این بازی‌ها نشئت گرفته از منجیان متنوع آخرالزمان است که هر کدام دارای ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. مسلماً بررسی تمامی این گونه بازی‌ها ممکن نیست ولی در این جا سعی می‌کنیم به برخی از این بازی‌ها که مروج آخرالزمان غرب و تخریب مهدویت و اسلام‌اند، بپردازیم.

آخرالزمان دینی: در میان آخرالزمان‌های مختلف، آخرالزمان دینی مورد توجه خاص قرار

گرفته است. در این آخرالزمان، انسان‌های شیطان صفت در قالب گروه‌های تروریستی قصد به دست گرفتن قدرت و نابودی تمامی عناصر پاک و خدایی را دارند. شما به عنوان منجی در نقش جاسوس خبره و با ایمان و یا سربازان ماهر و معتقد (عمدتاً سربازانی از ارتش آمریکا و انگلیس) به عنوان پلیس صلح جهانی ظاهر می‌شوید و به مبارزه با دشمنان بشریت می‌پردازید (حال ممکن است این دشمن قبلاً در زمین به جنایت پرداخته است و شما مجدداً به مبارزه با آن می‌پردازید یا دشمنانی که در آینده پا به عرصه جهان خواهند گذاشت).

بازی‌هایی همچون اسلحه مرگبار، گروه ضربت، بازگشت به قلعه ولفن اشتاین.

در بازی اسلحه مرگبار شما در نقش یک گروه ضد تروریستی باید ۱۱ مأموریت مختلف و پرهیجان را پشت سر بگذارید و طی عملیات، علاوه بر ناکام گذاشتن تروریست‌ها در فعالیت‌هایشان، اسناد و مدارک مختلفی را جمع‌آوری کنید و به برنامه‌های آینده تروریست‌ها پی ببرید. در ضمن باید گروگان‌ها را نجات دهید. باید بدانید که هرگونه خطا باعث به خطر افتادن جان گروگان‌ها می‌شود.

در بازی گروه ضربت در سال ۲۰۰۸، به مبارزه با میهن پرستان افراطی مسکو می‌روید که قصد آن‌ها تأسیس مجدد امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی است. تاجیکستان، اوکراین، بلاروس و دیگر کشورهای استقلال یافته یکی پس از دیگری در شرف پیوستن به این امپراتوری هستند و شما کماندوهای دلاوری هستید که خود را گروه ضربت می‌نامید.

در بازی معروف (بازگشت به قلعه ولفن اشتاین) (RETURN TO CASTLE WOLFENSTEIN) مجدداً به مبارزه با نازی‌ها می‌روید.

در این بازی تعدادی از فرماندهان ارشد اس. اس از جمله هیتلر (فرمانده کل نیروهای اس اس) قصد دارند با توسل به فناوری پیشرفته و استفاده از قدرت‌های مافوق طبیعی به جنگ علیه بشریت بیایند و شما در نقش مأمورانی از ستاد ضد اطلاعات ارتش، باید از تحقق اهداف یاد شده جلوگیری کنید و جهان را از نابودی نجات دهید.

و یا در بازی (call of duty) شما در نقش سربازان انگلیسی، آمریکایی و روسی آموزش می‌بینید و برای مبارزه با آلمانی‌ها به منطقه اعزام می‌شوید. پس از طی کردن مراحل مختلف، وارد برلین پایتخت آلمان می‌شوید و پرچم آزادی! را بالای ساختمان‌ها به اهتزاز درمی‌آورید.

علاوه بر بازی‌های ذکر شده که در آن‌ها به دشمنان بشریت در گذشته یا آینده پرداخته شده است، غرب سعی دارد سیاست‌های تجاوزگرانه کنونی خود را در عرصه بین‌المللی توجیه کند. اهدافی هم چون مبارزه با تروریسم بین‌المللی، مبارزه با گروه‌های تروریستی همچون القاعده و مبارزه با دیکتاتورهای



جهان هم چون صدام.

این روند پس از ۱۱ سپتامبر با شتاب بیش‌تری پیگیری شد.

به عنوان مثال، در بازی نیروی دلتا (DELTA FORCE) شما به عنوان یک گروه ضد تروریستی مأمور می‌شوید تا با تروریست‌ها در هر کجای دنیا که از سوی آمریکا معرفی می‌شوند مبارزه کنید. در قسمتی از این بازی، شما وقتی وارد اردوگاه تروریست‌ها می‌شوید، تصویر شیخ یاسین، رهبر حماس (که به دست دولت تروریستی اسرائیل به شهادت رسید) را بر دیوار می‌بینید یا در بازی (DELTA FORCE2) برای مبارزه با تروریست‌ها وارد خوزستان می‌شوید و با تروریست‌هایی مواجه می‌شوید که چهره‌ای کریه، خشن و بد ذات، لباس عربی و صورت‌های تراشیده دارند. از بازی‌های دیگری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، بازی جنگ ژنرال‌ها و طوفان صحرا است.

در جنگ ژنرال‌ها (GENERALS) شما در نقش سربازان آمریکایی مأموریت مبارزه و سرکوب تروریست‌ها و دشمنان بشریت را دارید، برای مبارزه با رژیم صدام به عراق یا برای مبارزه با گروه القاعده به افغانستان می‌روید. نکته‌های جالب توجهی در این بازی به چشم می‌خورد؛ مثلاً، در ابتدای بازی فیلمی پخش می‌شود که هواپیما و هلی‌کوپترهای آمریکایی در حال گشت‌زنی توسط دشمن مورد حمله قرار می‌گیرند و سقوط می‌کنند. پس از آن، شما وظیفه دارید متجاوزان را سرکوب کنید. این نشان می‌دهد که آمریکا هیچ‌گاه اولین گلوله را شلیک نمی‌کند و فقط برای دفاع از خود به تجاوز و حمله دست می‌زند. هم‌چنین، هم در عملیات عراق و هم در عملیات افغانستان به هر نحو ممکن از نمادهای اسلامی استفاده شده است و به کسی که این بازی را انجام می‌دهد، این گونه القا می‌کند که اسلام علت این خشونت‌هاست. در عراق نیروهای صدام در جلوی مسجد استقرار دارند یا در مزار شریف مناره‌های مسجد دیده می‌شود.

در هر دو قسمت عملیات عراق و افغانستان، بعضی‌ها و گروه القاعده (دشمن) به رنگ سبز نشان داده می‌شوند (کلاه سبز، تانک‌ها و نفربرها و نیروهایی که نشانه آن‌ها رنگ سبز است). به نظر می‌رسد این انتخاب رنگ نیز بی‌دلیل نیست؛ همان‌طور که در بازی‌های قدیمی‌تر که آمریکا به نبرد با دشمن می‌رفت، تروریست‌ها و دشمنان به رنگ قرمز (نماد شوروی) نشان داده می‌شوند. در بین بازی‌هایی که در این زمینه ساخته شده است، شاید هیچ‌کدام به اندازه بازی desert storm ماهرانه و در عین حال با جذابیت‌های گرافیکی و موضوعی ساخته نشده باشند.

در این بازی این امکان برای شما وجود دارد که در نقش نیروهای ویژه آمریکایی (delta) یا

انگلیسی (sas) بازی کنید. ابتدا پس از انتخاب تیمتان، در ۲۸ جولای ۱۹۹۰ به یک دوره آموزشی اعزام می‌شوید و آموزش‌هایی از قبیل حرکت، دودیدن، عبور از موانع نظامی، تمرین تیراندازی با کلت، آر پی جی، اسلحه‌های خودکار و هدایت تیم خود را می‌بینید. سپس، در اولین مأموریت خود در ۲ آگوست ۱۹۹۰ باید پس از درگیری با نیروهای عراقی، اقدام به انهدام پلی میان عراق و کویت کنید و با گذراندن مراحل زیاد و مأموریت‌های مختلفی همچون نابود کردن مراکز نظامی، سایت‌های موشکی، فرودگاه‌های نظامی در مرحله آخر در صدد نابودی ژنرال عزیزخان برآیید.

همان‌طور که ذکر شد، این بازی مراحل زیادی دارد و توضیح دادن همه آن‌ها در خور این نوشته نیست. به عنوان مثال، در دو مرحله متوالی شما وظیفه نابودی موشک‌های اسکاد (SCUD) را دارید. قبل از این که این موشک‌ها به سمت اسرائیل شلیک شوند، در مرحله چهارم شما در ۱۹ ژانویه سال ۱۹۹۱ باید تعداد زیادی از موشک‌های SCUD متحرک عراق را که در شمال غرب بزرگراه شماره ۱۰ عراق نزدیک شهر AL QAİM (القائم) مستقر شده‌اند، قبل از این که به سمت اسرائیل شلیک شوند، منهدم کنید. یا در ۲۸ فوریه ۱۹۹۱ شما وارد جنوب بغداد می‌شوید؛ باید مسیر ورود به یک کارخانه عراقی را بیابید و در مرحله بعد، پس از درگیری شدید و عبور از چند لایه حفاظتی وارد کارخانه شوید. این کارخانه، محل تولید سلاح‌های اتمی و رادیواکتیو است و در نهایت، شما باید مقداری پلوتونیم تولید شده را پیدا کنید. هم‌چنین، یک موشک در حال ساخت را که کلاهدک آن باز شده و احتمالاً قرار است به یک کلاهدک هسته‌ای تبدیل شود، نابود کنید. بعد از موفقیت این بازی، نسخه جدید این بازی با عنوان back to baghdad به بازار آمد که ادامه همان داستان است. در عین حال از لحاظ گرافیکی کیفیت آن به مراتب بهتر است. نکته قابل توجه در این بازی این است که در تمامی مراحل بازی، شما با مساجد یا تصاویر قاب شده آن‌ها مواجه می‌شوید. نقطه مشترک تمامی این مساجد، گنبد سبز آن‌هاست.

مجموعه بازی‌های delta force از این قبیل بازی‌هاست. در نسخه جدید این بازی با عنوان black hawk down: team sabre شما برای مقابله با تروریست‌ها به نقاط مختلف جهان سرباز می‌زنید. در کلمبیا با مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر در یکی از این مراحل باید در سال ۲۰۰۵ برای مبارزه با تروریست‌ها به ایران بیایید؛ بله به ایران و جزیره خارک!

در این بازی مبارزه با تروریست‌های ایرانی جزء سخت‌ترین مراحل است. در سایر نقاط دنیا تروریست‌های با لباس شخصی هستند؛ در صورتی که در ایران شما اغلب با نیروهای منظم نظامی که لباس‌های نظامی خاکی به تن دارند و با چهره‌های اسلامی طراحی شده‌اند، روبه‌رو می‌شوید در یکی از

مراحل، شما پس از درگیری با نیروهای ایرانی باید کامیون‌هایی (به نظر حاوی مواد شیمیایی است) را که اسکور می‌شوند، صحیح و سالم به تصرف درآورد و آن‌ها را به یک منطقه امن نظامی برسانید.

**آخرازمان فناورانه (تکنولوژیک):** در آخرازمان رویت‌ها و ساخته‌های دست بشر به مرحله‌ای از تکامل و هوش می‌رسند که علیه انسان‌ها دست به شورش می‌زنند و قصد نابودی نسل بشر را دارند و انسان‌ها نیز توانایی مبارزه با آن‌ها را ندارند. در این زمان، یک منجی شجاع که دارای قدرت عشق و ایمان است (خصیصه‌ای که ماشین‌ها از آن بی‌بهره‌اند) به مبارزه بر می‌خیزد و پس از نبردهای طولانی و سخت نسل بشر را نجات می‌دهد؛ مثلاً، شما در بازی ماتریکس (ENTER THE MATRIX) به همراه یک گروه از آرمان شهری به نام زایان (ZION) وظیفه نجات جهان را از دست انسان‌نماها بر عهده می‌گیرید و در حین بازی باید با شجاعت بی‌نظیر خود جهان را از دست ماشین‌های دیو صفت نجات دهید.

**آخرازمان طبیعی:** در آخرازمان طبیعی، طبیعت سر به شورش بر می‌دارد و بشر را با حربه‌هایی مانند زلزله، گرد باد، طوفان، آتشفشان و سیل تهدید می‌کند یا دخالت‌های نابجای انسان در ساختارهای ژنتیک باعث پیدایش غول‌ها و حیوانات ناشناخته عظیم الجثه می‌شود؛ به عنوان مثال، در بازی جزیره سایه‌ها شما برای نجات بشریت از دست (آلن) و (اوبد) مورتون (که پدر خود را که یک دانشمند ژنتیک بوده کشته‌اند) که قصد دارند با استفاده از تحقیقات پدرشان بر جهان مسلط شوند؛ وارد جزیره می‌شوید. یا در بازی شیطان مقیم، یک ویروس ساخته شده توسط شرکت آمبرلا در جامعه پخش می‌شود و در نهایت، شما برای نجات بشریت مجبور به استفاده از بمب اتم می‌شوید.

**آخرازمان تخیلی:** در آخرازمان تخیلی، موجودات ناشناخته فضایی، زمین و نسل بشر را به مخاطره می‌اندازد و این بار، یک منجی بسیار دانا با قدرت ماورای انسانی به مبارزه با این موجودات می‌پردازد.

در بازی سام ماجراجو شما به عنوان یک منجی در نقش سام استون ظاهر می‌شوید. سام که به علت شجاعت فوق‌العاده‌اش در مبارزه با این موجودات، به اسطوره‌ای تبدیل شده است، به کمک ماشین زمان به گذشته بر می‌گردد تا جنگ بر علیه این یاعیان را به نفع بشر تمام کند.

**آخرازمان اسطوره‌ای:** در آخرازمان اسطوره‌ای یک ضدمنجی از دل افسانه‌ها و اسطوره‌های باستانی پا به دنیای ما می‌گذارد و قصد نابودی بشر را دارد که در این حال، یک منجی آگاه به دنیای اسطوره‌ها و مجهز به جادو و سحر به مبارزه با این دشمنان می‌پردازد؛ مثلاً، در بازی نفرین شدگان، شما به عنوان یک منجی در نقش دختری ۱۵ ساله یک کشاورز، بازی را آغاز می‌کنید. متجاوزان کراگ

به فرمان یک موجود اهریمنی در جستجوی جادو و سحرهایی برای حکمرانی بر کل دنیاست. این اهریمن می‌خواهد با استفاده از این جادوها همه موجودات خوب دنیا، از جمله شما راه اسارت درآورد. شما، که یک ماجراجوی سرسخت هستید، مبارزه با این شیطان را بر عهده می‌گیرید. برای این کار، باید از جنگل‌های انبوه، دره‌های خشک، بیابان‌ها، سیاه‌چال‌های مرطوب، گورستان‌های قدیمی، کوه‌های پر از برف، غارهای یخی و غارهای پر از مواد مذاب بگذرید تا از این فاجعه جلوگیری کنید. یکی دیگر از ایده‌های حاکم بر بازی‌های رایانه‌ای، جنگ هسته‌ای است که از آن با عنوان آرماگدون (armageddon) نبرد نهایی حق علیه باطل یاد می‌شود. استفاده از سلاح اتمی در آن قابل پیش‌گیری نیست و ظهور حضرت مسیح بدون وقوع این حادثه ممکن نیست. در بازی‌های مختلف به این پدیده پرداخته شده است.

در بازی مأمور مخفی ۲، شما در نقش کیت آرچر یک جاسوس خبره ظاهر می‌شوید که می‌باید از وقوع جنگ هسته‌ای و نابودی نسل بشر توسط تروریست‌ها جلوگیری کنید. یا در بازی شیطان مقیم یک و پیروس ساخته شده توسط شرکت آمبرلا در جامعه پخش می‌شود و در نهایت، شما برای نجات بشر مجبور به استفاده از بمب اتم می‌شوید.

با توجه به مطالب عنوان شده، دیگر نمی‌توان به بازی‌های رایانه‌ای تنها به عنوان ابزاری جذاب برای تفریح و سرگرمی کودکان نگاه کرد بلکه باید به آن‌ها از دید دشمنان تفکر اسلامی نگریست و در مقابل، با تولید جانشین‌های مناسب برای این گونه بازی‌ها با تکیه بر منابع عمیق ملی مذهبی به مبارزه با این تجاوز پرداخت.

## ۵- دربارهٔ بابیت و بهائیت

**الف) بابیت:** مسلک بابیگری در قرن سیزدهم قمری توسط فردی به نام سیدعلی محمد شیرازی (متولد ۱۲۳۶) پایه‌گذاری شد. وی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی خود را در شیراز گذراند و بعد از آن، در بوشهر به تجارت مشغول شد. در شرح احوال او نوشته‌اند که از دوران نوجوانی به کارهای غیرمتعارفی مانند تقلید از رمالان و افسونگران و مرتاضان هندی می‌پرداخت و به طلسمات، اوراد و ریاضت‌کشی علاقه خاصی نشان می‌داد. گفته شده که در هوای بسیار گرم تابستان بوشهر، بر بلندای بام می‌ایستاد و برای تسخیر آفتاب، کلمات و حرکات مرتاضان هندی را تقلید می‌کرد.

او پس از بازگشت از بوشهر کار و کسب را رها کرد و در سفری زیارتی، سیاحتی به کربلا در مسلک شاگردان سید محمد کاظم رشتی درآمد. وی اعتقادات غلوآمیزی دربارهٔ ائمه داشت از جمله، اعتقاد به این که امامان، مظاهر تجسم یافتهٔ خدا یا خدایان مجسم‌اند. وی معتقد بود که در هر زمان یک

نفر میان امام و مردم، باب و واسطه فیض روحانی است. می‌توان گفت آغاز تفکر بابیت در ذهن سید علی محمد از همین اندیشه نشئت گرفته است.

پس از فوت رشتی، رقابتی میان شاگردان وی آغاز شد تا «شیعه کامل» یا «رکن رابع» انتخاب شود. علی محمد در این رقابت پا را از جانشینی باب، فراتر نهاد و خود را باب امام زمان (عج) خواند و چون ادعایش شگفت‌آور بود، جلب نظر کرد و ۱۸ تن از شاگردان رشتی گرد او را گرفتند. علی محمد در آغاز با تأویل بخش‌هایی از قرآن کریم تصریح کرد که امام دوازدهم او را مأمور کرده است تا جهانیان را ارشاد کند و خود را ذکر نماید. او در آغاز تفسیر سوره یوسف با سلسله‌سندی که به امام علی (ع) می‌رسد، می‌گوید: «همانا خدا مقدر کرد که این کتاب از نزد محمد پسر حسن پسر محمد پسر علی ... بر بنده‌اش برون آید تا از سوی ذکر (علی محمد) حجة بالغه خدا بر جهانیان باشد.»

علی محمد پس از سفر به مکه، دستور داد تا عبارت «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا قَبْلَ نَبِيلِ بَابِ بَقِيَةِ اللَّهِ» را در اذان وارد کنند (نیل به حساب جمل با علی محمد برابر است). پس از آن که گروهی به وی گرویدند، از مهدویت خود سخن به میان آورد و گفت: «منم آن کسی که هزار سال می‌باشد که منتظر آن می‌باشید.»

بعد از ادعای مهدویت، ادعای رسالت کرد و با نگارش کتابی موسوم به «بیان» قائل به نسخ احکام اسلام شد و نوشت: «در هر زمان خداوند جلّ و عزّ، کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می‌فرماید در سینه هزار و دویست و هفتاد از بعثت رسول الله، کتاب را بیان و حجت را ذات حروف سبع (علی محمد) قرار داد.<sup>۱</sup>

علی محمد باب، ادعاهای خود را با ادعای ربوبیت و حلول الوهیت در خود پایان داد. جالب است بدانیم که ادعای باب و تحرکات بایان همواره مورد توجه علمای شیعه و حکومت قاجار بود و جلسات متعددی برای مناظره و هم‌چنین محاکمه وی تشکیل شد که در تمام این مجالس، شکست خورد. وی بارها پس از عجز در اثبات ادعایش، آن‌ها را تکذیب کرد ولی بعد از توبه دوباره ادعای بزرگ‌تری را مطرح ساخت؛ لذا عده‌ای او را دیوانه می‌پنداشتند.

در اواخر سلطنت محمدشاه قاجار و پس از مرگ او مریدان باب، آشوب‌هایی را در کشور به راه انداختند؛ از جمله فتنه قلعه طبرسی در مازندران را می‌توان نام برد که به کشته‌شدن علی محمد بارفروش و شکست بایان انجامید.

ذکر این نکته ضروری است که ادعای مهدویت و تغییر احکام اسلام سبب شد که بسیاری از

او روی برگردانند.

پس از مرگ محمدشاه و بالاگرفتن فتنه بایبه، امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه از برخی علما، فتوا خواست و آنان به قتل وی فتوا دادند و سیدعلی محمد به همراه یکی از یارانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد.

### عقاید بایبان

۱- سید علی محمد باب، خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار معرفی کرده است.

۲- او عقیده داشت که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن برپا شده است.

۳- او خود را مبشر ظهور فرد دیگری دانسته و او را «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ» خوانده است و در ایمان پیروانش به او تأکید فراوان دارد.

۴- او می‌گوید: «هنگامی که (فرمانروایی بایی) توانایی یافت، هیچ‌کس جز بایی‌ها را بر روی زمین باقی نگذارد.»

علی محمد باب، اغلب آثار خود را به زبان عربی نگاشته که مملو از اغلاط صرفی و نحوی است. او کوشیده است نشان دهد که سخنانش رنگ قرآنی دارد؛ لذا گفتارش را با سجع و وزن همراه کرده است و با آن که تنها معجزه خود را همین سخنان می‌داند، تکلیف و ابتذال در عبارت‌هایش سخت آشکار است.

### احکام بایبان

کتاب «بیان» نزد بایبان، کتاب وحی و شریعت و احکام است. ما در این‌جا به برخی از احکام آن اشاره می‌کنیم.

۱- در چهار منطقه نباید کسی جز بایبان وجود داشته باشد: فارس، خراسان، مازندران و آذربایجان (باب ۴- واحد ۶).

۲- اگر کسی دیگری را محزون سازد، واجب است نوزده مثقال طلا به او بدهد و اگر ندارد نوزده مثقال نقره (باب ۱۱- واحد ۷).

۳- بر هر کس از پیروان باب واجب است که برای طلب اولاد ازدواج کند اما اگر زن کسی باردار نشد حلال است برای حامله شدن او از یکی از برادران بایی خود یاری بگیرد، نه از غیر بایی!!

۴- هر چیزی بهترین آن متعلق به نقطه (یعنی خود باب) و متوسط آن متعلق به حی (۱۸ تن یاران باب) و پست‌ترین آن برای بقیه است.

## ب) بهائیت

با ظهور غوغای باب، فردی به نام میرزا حسینعلی بهاء (متولد ۱۲۳۳) در روستایی از توابع نور مازندران تنی چند از خاندانش از جمله برادر ناتنی‌اش یحیی صبح ازل به باب گرویدند.

پس از اعدام باب، یحیی صبح ازل دعوی جانشینی او را کرد و حسینعلی تسلیم او شد اما پس از مدتی، رقابت با برادر را آغاز کرد و نخست ادعای «مَنْ يُظْهِرُ الْهَى» نمود و به تدریج مانند «باب» بر ادعاهای خود افزود تا به ادعای رسالت و شاریعت و حلول خدا در او رسید و خود را «الهیکل الاعلی» نامید و مدعی شد که سیدعلی محمد باب زمینه‌ساز و مبشر ظهور وی بوده است. کشمکش میان دو برادر ادامه یافت تا آن‌که با فشار علمای اسلامی و مسلمانان، حکومت وقت مجبور شد در سال ۱۲۶۹ آن دو را با جمعی از پیران آن‌ها به بغداد تبعید کند ولی تبعید اثر بخش نبود و آن‌ها بر سر رهبری بایان با یکدیگر درگیر شدند. پس به حکم دادگاه آن دو به دو نقطه دور دست - یحیی صبح ازل و پیروانش به قبرس و بهاء و طرفدارانش به عکا در سرزمین فلسطین - تبعید شدند ولی تکفیر و تبلیغ علیه یک‌دیگر را هرگز رها نکردند.

اختلاف میان بایان سبب شد که آن‌ها به سه گروه ازلیه (طرفداران صبح ازل)، بهائیه (پیروان حسینعلی بهاء) و بابیه (کسانی که به آن دو ملحق نشدند) تقسیم شوند. سرانجام در این کشمکش، میرزا حسینعلی که توسط ایادی استعمار حمایت می‌شد، غلبه یافت و ازلیه به دست فراموشی سپرده شد.

پس از مرگ میرزا حسینعلی، بابی‌ها کم‌کم محو و فراموش می‌شدند و بهائیه‌ها در حالت صبر و انتظار به سر می‌بردند تا این‌که عباس افندی ملقب به عبدالبهاء، فرزند ارشد میرزا حسینعلی به تجدید آن پرداخت. عباس افندی در محیط عثمانی و داخل ایران مجالسی برای دعوت خود نمی‌یافت بنابراین، به اروپا سفر کرد و رابطه‌ای دوستانه با انگلستان و امریکا برقرار کرد و به پاس خوش خدمتی‌های خود از دولت انگلستان لقب سر (sir) نایت هود (Hood night) را که بزرگ‌ترین نشان خدمت‌گزاری است به او عطا شد. و بدین ترتیب، ابزار سیاست استعماری انگلیس و امریکا شد. پس از مرگ وی، رهبری بهائیان به دست شوقی افندی، نوه دختری میرزا حسینعلی افتاد که تا سال ۱۹۵۷ میلادی ادامه یافت. پس از وی گروه ۹ نفری بیت‌العدل - که مرکز آن در حیفای اسرائیل است - بهائیان و بهائیگری را اداره می‌کند.

کتاب «ایقان» (به زبان فارسی) و «اقدس» (به زبان عربی) کتاب‌های شریعت و وحی توسط بهائیان تلقی شده است.

## عقاید

۱- بهاء خود را منبع وحی و تجلی خدا معرفی کرده است و مدعی است که خداوند خلقت و تدبیر جهان را به او سپرده است.

۲- شریعت اسلام با ظهور باب و بهاء نسخ شده است.

۳- پس از رسول اکرم (ص) نخست باب و سپس بهاء به عنوان ظهور الهی به عالم آمدند و لااقل تا هزار سال دیگر ظهور الهی در عالم نخواهد بود.

### عبادت و احکام در مسلک بهائیت

۱- نماز در آیین بهایی نه رکعت است که به صورت انفرادی در صبح و ظهر و شام بر هر بالغی واجب است. قبله آنها شهر عکاست که قبر میرزا حسینعلی بهاء در آن واقع شده است. برای نماز، وضو نیز لازم است ولی اگر کسی آب برای وضو نداشته باشد، به جای وضو پنج بار می گوید: «بسم الله الاطهر الاطهر» کفایت می کند و جز در نماز میت، نماز جماعت ندارند.

۲- روزه آنان، یک ماه به مقدار نوزده روز است؛ زیرا در اصطلاح آنان هر ماه نوزده روز و هر سال نوزده ماه دارد و مجموع ایام سال ۳۶۱ روز است. آخرین روز ماه روزه آنها مصادف با عید نوروز است.

۳- حج آنها زیارت خانه ای است در شیراز که سید علی محمد باب در آن متولد شده است یا خانه ای که میرزا حسینعلی بهاء الله در مدت اقامت خود در عراق در آن زندگی می کرد. برای حج آن وقت خاصی مقرر نشده است.

۴- هر مرد فقط می تواند یک زن داشته باشد؛ در کتاب «اقدس» ازدواج با دو زن با رعایت عدالت جایز دانسته شده است ولی عبدالبهاء در تفسیر آن گفته است: چون شرط عدالت هیچ گاه تحقق نمی یابد، پس در واقع در ازدواج تعدد راه ندارد و ازدواج با زن پدر حرام است و با دختر و خواهر و سایر اقربا جایز است.

۵- تمام اشیا پاک اند، حتی امثال بول و غائط و سگ و خوک و ... .

۶- در آیین بهائیت، سهم ارث پسر و دختر مساوی است؛ چنان که سن بلوغ آنها هم یکسان است (یعنی پانزده سالگی).

مراکز مهم اجتماعات رسمی آنها یکی «حظيرة القدس» (در عشق آباد) و دیگری «مشرق الاذکار» در نزدیک شیکاگو (آمریکا) است.<sup>۱</sup>

۱- منابع: الف) فرهنگ عقاید مذاهب اسلامی، استاد جعفر سبحانی ب) فرق و مذاهب کلامی، علی ربانی گلباگانی



## ب) منابع

— علاوه بر منابع ذکر شده در درس قبل :

- ۱- السید، کمال؛ سوار سبزپوش ترجمه حسین سیدی، نشر نسیم اندیشه (برای دانش آموز)
- ۲- العمیدی، سیدهاشم؛ در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری) ترجمه مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (برای معلم)
- ۳- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ دولت مهدی، سیرت مهدی، انتشارات دریا (برای معلم و دانش آموز)
- ۴- رحیم پور ازغدی، حسن؛ مهدی، ده انقلاب در یک انقلاب، انتشارات سروش (معلم و دانش آموز)
- ۵- شجاعی، محمد؛ آشتی با امام زمان، محیی (برای دانش آموز)
- ۶- شجاعی، سیدمهدی؛ خداکند تو بیایی، کتاب نیستان (برای دانش آموز)
- ۷- شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ شناخت زندگی بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، موعود (برای معلم و دانش آموز)
- ۸- کورانی، علی؛ عصر ظهور، شرکت چاپ و نشر بین الملل (برای دانش آموز)
- ۹- مظفری ساوجی، مهدی؛ اشتیاق اطلسی‌ها (مجموعه شعر)، موعود (برای دانش آموز)
- ۱۰- قیسات، شماره ۳۳ (فلسفه فرج و جهانی شدن)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (برای معلم)
- ۱۱- شفیعی سروستانی، اسماعیل؛ غرب و آخر الزمان، نشر هلال (معلم و دانش آموز)
- ۱۲- شفیعی سروستانی، اسماعیل، جاهلیت مدرن، موعود عصر (معلم و دانش آموز)
- ۱۳- شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ پرسش از موعود، موعود عصر (معلم و دانش آموز)
- ۱۴- صادقی، مصطفی؛ تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (معلم)
- ۱۵- محمود النجیری؛ آرمگدون؛ موعود (معلم و دانش آموز)
- ۱۶- نودهی، ناصر؛ نظریه اختیاری بودن ظهور، موعود (معلم)
- ۱۷- طاهرزاده، اصغر؛ مبانی معرفتی مهدویت، گروه فرهنگی المیزان (معلم و دانش آموز)